

دادرسی دعاوی مدنی، کیفری و اداری

مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی

(دکتر سام سوادکوهی فر - قاضی دیوان عالی کشور و استادیار دانشگاه)

چکیده

رشد فزاینده کاربرد ICT (فناوری ارتباطات و اطلاعات) در جهان، قواعد حقوقی جدیدی در پی داشته است. در جهت تعامل همه جانبه افراد در استفاده از این فناوری و برقراری امنیت و اعتماد عمومی، نظام دادرسی ویژه‌ای در مورد آن، از حیث ضمانت اجرای قضایی داخلی و بین المللی، شکل گرفته است. قواعدی که عمومات حقوق دادرسی خاص خود را در دعاوی اداری، مدنی و کیفری دارد و ادله اثبات دعاوی آن نیز در پاره‌ای موارد، منحصر به فرد می باشد.

کلید واژه‌ها:

دادرسی IT، ادله اثبات الکترونیکی. امضای الکترونیکی، داده پیام مطمئن، سابقه الکترونیکی مطمئن.

مقدمه:

از دید کمتر کسی حضور اینترنت^(۱) جهت رشد جامعه جهانی به سوی آگاهی و کارآیی هر چه بیشتر و سرعت و بهره وری هر چه کاملتر، بدور مانده است. پدیده مزبور که در تکامل حقوق عمومی و شکل گیری دولت الکترونیکی (E.Gouvernement) و موضوعات مرتبط با آن، و تحول قواعد حقوق خصوصی، خاصه تجارت الکترونیکی (E.Commerce) و امور ناشی از آن نقش بسزا و تأثیر شگرف داشته است^(۲) طبعاً قواعد دادرسی را نیز در این زمینه ها متأثر نموده است. تأثیری که محدود به مرزهای سرزمینی نیز نبوده و شکل گیری همکاری بین المللی را در امر دادرسی، باعث گردیده است؛ چنانچه در بند اول ماده (۹) قانون نمونه تجارت الکترونیکی سازمان ملل آمده، در کلیه رسیدگی‌های قضایی، قواعد ادله نباید به گونه‌ای اعمال شود که قابلیت استناد داده پیام از این جهت که صرفاً داده پیام است یا اینکه نمی تواند برابر اصل تصدیق گردد، رد شود.

مرتبط با دادرسی در کشورمان، تأثیر فناوری اطلاعات^(۳) در دعاوی مدنی و کیفری نمایان شده است. در دعاوی اداری با توجه به خصیصه ویژه آن باید در انتظار تحولات جدید بود.

پس از توضیحی پیرامون عمومات قواعد دادرسی فناوری اطلاعات، به تأثیر آن در دادرسی اداری، مدنی و کیفری خواهیم پرداخت.

بخش اول - عمومات دادرسی مرتبط با IT

قواعد عام دادرسی شامل اموری می‌شود که در دعاوی مرتبط با فناوری اطلاعات حسب مورد کاربرد دارند. این قواعد برخی راجع به ادله اثبات دعوی مرتبط با IT است و برخی جنبه بین‌المللی دادرسی مرتبط با IT را در برمی‌گیرد.

الف - ادله اثبات مرتبط با IT

قانون مدنی دلایل اثبات دعوا را در ماده (۱۲۵۸) به پنج مورد محدود کرده و از قرار ذیل می‌داند:

۱- اقرار، ۲- اسناد کتبی، ۳- شهادت، ۴- امارات، ۵- قسم.

ماده (۱۹۴) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی هم در معرفی دلیل می‌گوید: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند.» با در نظر گرفتن حکم کلی ماده اخیر، هر امری که برای اثبات ادعا قابلیت استناد داشته باشد دلیل فرض می‌شود. قانون تجارت الکترونیک علاوه بر بیان مقررات خاص تجارت الکترونیکی، به قواعد ویژه‌ای که مربوط به دلایل استنادی خاص IT است نیز اشاره دارد که مسائل آن را به‌نحو زیر می‌توان تقسیم بندی نمود:

۱- ارزش اثباتی داده پیام

از مسائلی که بعدازاین باید مورد توجه محاکم قرار گیرد داده پیام (Data message) است؛ زیرا هیچ دادگاه یا اداره‌ای نمی‌تواند به ارزش وجودی آن اعتنا نکند.

ماده (۱۲) قانون تجارت الکترونیکی برای از بین بردن تردید در ارزش قانونی داده پیام تصریح می‌کند: «سناد و ادله اثبات دعوا ممکن است به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان بر اساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی داده پیام را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد». صدر ماده (۶) قانون مزبور هم جز در موارد خاص^(۴) مقرر کرده است: «هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، داده پیام در حکم نوشته است». مضافاً اینکه هرگاه شرایطی به وجود آید که از مقطعی معین ارسال داده پیام خاتمه

یافته و استفاده از اسناد کاغذی جایگزین آن شود، جایگزینی اسناد کاغذی به جای داده پیام اثری بر حقوق و تعهدات قبلی که به صورت داده پیام تبادل شده نخواهد داشت^(۵). اما در اینکه داده پیام چیست و چه تعریفی دارد پاسخ در بند "الف" ماده (۲) قانون تجارت الکترونیکی آمده است. مطابق آن، داده پیام نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوری‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود.

ماده (۱۳) قانون تجارت الکترونیکی راجع به داده پیامی که دارای ارزش اثباتی است سخن می‌گوید و دو استفاده از آن می‌شود:

اول اینکه داده پیام ممکن است دارای ارزش اثباتی باشد، چنانچه ظاهر ماده حکایت دارد و مقرر می‌کند: «به طور کلی، ارزش اثباتی داده پیام‌ها با توجه به عوامل مطمئن از جمله تناسب روش‌های ایمنی به کار گرفته شده با موضوع و منظور مبادله داده پیام تعیین می‌شود». در این راستا رویه ایمن نیز در بند "ط" ماده (۲) همین قانون تعریف شده است که بر مبنای آن "رویه ایمن (Method Secure) رویه‌ای است برای تطبیق صحت ثبت داده پیام، منشأ و مقصد آن با تعیین تاریخ و برای یافتن هرگونه خطا یا تغییر در مبادله، محتوا و یا ذخیره سازی داده پیام از یک زمان خاص. یک رویه ایمن ممکن است با استفاده از الگوریتمها یا کدها، کلمات یا ارقام شناسایی، رمز نگاری، روش‌های تصدیق یا پاسخ برگشت و یا طرق ایمنی مشابه انجام شود"^(۶).

دوم اینکه اگر داده پیام فاقد شروط ایمنی یا عوامل مطمئن باشد از ارزش اثباتی برخوردار نخواهد بود. این امر از مفهوم مخالف ماده (۱۳) حاصل می‌شود.

۲- امضا و سابقه الکترونیکی مطمئن (داده پیام مطمئن)

دو نوع از داده پیام‌های مطمئن عبارتند از امضای الکترونیکی مطمئن و سابقه الکترونیکی مطمئن که شرایط تحقق آن را قانون تعیین کرده است. قبل از ذکر شرایط، نکته‌ای را مناسب است یادآوری نماییم. در ماده (۷) قانون تجارت الکترونیکی آمده: «هرگاه قانون، وجود امضا را لازم بداند امضای الکترونیکی مکفی است». منظور از امضای الکترونیکی این نیست که هر امضای الکترونیکی دارای ارزش استنادی بوده و قابل

پذیرش است. به نظر می‌رسد قانونگذار در ماده مذکور صرفاً در مقام تثبیت جایگاه امضای الکترونیکی در کنار روش سنتی امضا بوده است.

در بیان شرایط امضای الکترونیکی مطمئن ماده (۱۰) قانون تجارت الکترونیکی به چهار مورد اشاره دارد که عبارتند از:

الف) نسبت به امضاکننده منحصر بفرد باشد؛ ب) هویت امضاکننده داده پیام را معلوم نماید؛ ج) به وسیله امضاکننده و یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد؛ د) به نحوی به یک داده پیام مطمئن متصل شود که هر تغییری در آن داده پیام قابل تشخیص و کشف باشد.

در شرایط سابقه الکترونیکی مطمئن، ماده (۱۱) قانون تجارت الکترونیکی به سه امر (ذخیره داده پیام با رعایت شرایط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن، در دسترس بودن، قابل درک بودن) نظر دارد. در این ماده آمده است: «سابقه الکترونیکی مطمئن عبارت از داده پیامی است که با رعایت شرایط یک سیستم اطلاعاتی مطمئن ذخیره شده و به هنگام لزوم در دسترس و قابل درک است». بنا براین، هر سابقه‌ای که با لحاظ شرایط مقرر در این ماده ثبت و نگهداری شود محمول یا مقرون به صحت است. چنانکه در ماده (۱۶) قانون تجارت الکترونیکی در این خصوص آمده: «هر داده پیامی که توسط شخص ثالث مطابق با شرایط ماده (۱۱) این قانون ثبت و نگهداری می‌شود، مقرون به صحت است.»

۳- ارزش اثباتی داده پیام مطمئن

به طور کلی هر داده پیام مطمئن اعم از امضا یا سابقه الکترونیکی دارای ارزش اثباتی و آثار حقوقی مشابه اسناد معتبر و قابل استناد است.^(۷) بنا براین،

بر مبنای ماده (۱۴) قانون تجارت الکترونیکی "کلیه داده پیام‌هایی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده‌اند از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می‌شوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضایی و حقوقی است".

و مطابق ماده (۱۵) قانون تجارت الکترونیکی " نسبت به داده پیام مطمئن، سوابق الکترونیکی مطمئن و امضای الکترونیکی مطمئن انکار و تردید مسموع نیست و تنها می توان ادعای جعلیت به داده پیام مزبور وارد و یا ثابت نمود که داده پیام مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است"^(۸).

ب- ویژگی بین المللی دادرسی IT

در رسیدگی به دعاوی مدنی و کیفری و احياناً اداری مطرح شده در ارتباط با IT باید به خصوصیت بین المللی آن توجه داشت. اگر چه دادرسی اداری مرتبط با IT تا کنون در کشورمان دارای قاعده لازم‌الاجرا نمی باشد اما مقنن در مسائل مدنی و کیفری به این مهم توجه نشان داده است .

مواد (۳) و (۴) قانون تجارت الکترونیکی ایران در مقام تفسیر و رفع ابهام و سکوت از قانون به نحو آتی ارائه طریق کرده‌اند:

ماده (۳): « در تفسیر این قانون همیشه باید به خصوصیت بین‌المللی، ضرورت توسعه هماهنگی بین کشورها در کاربرد آن و رعایت لزوم حسن نیت توجه کرد.»

ماده (۴): « در مواقع سکوت و یا ابهام باب اول این قانون، محاکم قضایی باید بر اساس سایر قوانین موضوعه و رعایت چهارچوب فصول و مواد مندرج در این قانون، قضاوت نمایند.»

در امور کیفری نیز ماده (۷۷) همین قانون بر ضرورت همکاری بین‌المللی کشورها تأکید داشته می‌گوید: « سایر جرایم، آیین دادرسی و مقررات مربوط به صلاحیت جزایی و روش های همکاری بین المللی قضایی مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی به موجب قانون خواهد بود.»

بخش دوم – تأثیر IT در دادرسی مدنی، کیفری و اداری

قواعدی که در این بخش مورد بحث واقع می‌شود به نوعی گویای تأثیری است که فناوری اطلاعات در امور دادرسی داشته است. به این معنا که متأثر از فناوری اطلاعات، آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری و همچنین در آینده ای نزدیک آیین دادرسی اداری تحولاتی را داشته یا خواهند داشت که به‌طور اصولی قواعد سنتی دادرسی را دچار دگرگونی خواهند کرد. مطلبی که اجمالاً باید یاد آور شویم اینکه برخی از قواعد مطرح در حقوق دادرسی IT برگرفته از حقوق داخلی کشورهاست. با وجود چنین امری، اصول

حقوقی مرتبط با این فناوری، مجموعه‌ای را به وجود آورده است که از هویت انحصاری آن نمی‌کاهد. در این بخش ابتدا به تحول آیین دادرسی مدنی، سپس به تأثیرپذیری آیین دادرسی کیفری و در آخر به آیین دادرسی اداری در ارتباط با IT می‌پردازیم.

الف - تأثیر IT در آیین دادرسی مدنی

آیین دادرسی مدنی در امور تجاری، قواعدی دارد که مرتبط با IT تغییراتی را نشان می‌دهد. در مسائل اقامتگاه نیز IT قواعد سنتی را با اصول خاص خود تفسیر و توصیف نموده است که ذیلاً به هر دو مورد اشاره خواهیم نمود.

۱- قواعد دادرسی خاص امور تجاری

قواعد IT نسبت به اموری که به روشی غیر از ارتباط از راه دور انجام می‌شود حاکمیت ندارد. از این رو ماده (۴۷) قانون تجارت الکترونیکی ایران می‌گوید: «در معاملات از راه دور آن بخش از موضوع معامله که به روشی غیر از وسایل ارتباط از راه دور انجام می‌شود مشمول مقررات این قانون نخواهد بود».

شروط قراردادی خلاف مقررات حمایت از مصرف‌کننده، مخالف نظم عمومی و فاقد اعتبار است. به این امر ماده (۴۶) قانون تجارت الکترونیکی ایران اشعار دارد: «استفاده از شروط قراردادی خلاف مقررات این فصل و همچنین اعمال شروط غیر منصفانه به ضرر مصرف‌کننده، مؤثر نیست». توضیح اینکه: حمایت از مصرف‌کننده طی یک فصل و از ماده (۳۳) تا (۴۹) همین قانون ذکر شده است.

امکان طرح شکایت در محاکم قضایی و یا مراجع دادرسی توسط (N.G.O)هایی که عهده دار حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان می‌باشند. ماده (۴۸) قانون تجارت الکترونیکی ایران بدون ذکر قیود و شروط شکل‌گیری این قبیل نهادها در این خصوص چنین می‌گوید: «سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده می‌توانند به عنوان شاکی اقامه دعوا نمایند. ترتیب آن به موجب آیین‌نامه‌هایی خواهد بود که به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیئت وزیران می‌باشد». واگذاری چنین امر مهمی به آیین‌نامه، قطع نظر از اینکه خود گام مؤثری در دفاع از حقوق مصرف‌کنندگان بشمار می‌رود، کافی به نظر نمی‌رسد. در کشورهای قانون مصرف‌کنندگان شکل گرفته است. به‌عنوان مثال در کشور فرانسه مجموعه قوانین مصرف

کنندگان تنظیم و به مسائل مختلف از جمله طرح دعوا توسط مؤسسات حمایت کننده از حقوق مصرف کنندگان، تصریح گردیده است. ماده (۱-۴۲۱) قانون حمایت مصرف کنندگان فرانسه مصوب ۲۶ ژوئیه ۱۹۹۳ م، اجازه داده است چنانچه مؤسساتی که قانوناً به حمایت از حقوق مصرف کنندگان اختصاص یافته اند به مواردی برخورد کنند که خسارت مستقیم یا غیرمستقیم به منافع عمومی مصرف کنندگان وارد می شود از حقوقی که خاص مدعی خصوصی در طرح دعوا می باشد استفاده نموده و به عنوان مدعی اقامه دعوا کنند.^(۹)

۲- انواع اقامتگاه در دادرسی های IT

قانون مدنی کشورمان در ماده (۱۰۰۲) اقامتگاه را چنین تعریف می کند: «*اقامتگاه هر شخص عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود*» .. ماده (۵۹۰) قانون تجارت نیز تعریف خاص خود را از اقامتگاه اشخاص حقوقی دارد و می گوید: «*اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجاست*». با توجه به اهمیتی که تعیین اقامتگاه در تشخیص دادگاه صالح به رسیدگی دعوا دارد،^(۱۰) شناسایی اقامتگاه در امور مرتبط با فناوری اطلاعات به ویژه موضوعیت می یابد.

آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ ایران در صلاحیت دادگاه، که اصولاً در دعاوی مبنا واقع می شوند، ضمن سه ماده مقرر کرده است که:

- اولاً: *دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هر گاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیر منقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است و هر گاه مال غیر منقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد. تبصره - حوزه قضایی عبارت است از*

قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم‌بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی‌دهد (ماده ۱۱ آیین دادرسی مدنی).

- ثانیاً: دعاوی مربوط به اموال غیر منقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است، اگر چه خواننده در آن حوزه مقیم نباشد (ماده ۱۲ آیین دادرسی مدنی).

- ثالثاً: در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می‌تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می‌بایست در آنجا انجام شود (ماده ۱۳ آیین دادرسی مدنی).

قواعد خاص IT در اقامتگاه، در کنار اصول کلی مذکور در آیین دادرسی مدنی، در موضوعات مرتبط با آن حکومت داشته و لازم‌الاتباع است. اقامتگاه و یا محل تجاری مرتبط با فناوری اطلاعات که ویژگی خاص خود را دارد حسب مورد ممکن است یکی از شقوق پنج‌گانه زیر تشخیص گردد:

- محل تجاری همان محل مورد توافق طرفین است (قسمت دوم بند "الف" ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی).

- محل تجاری یا کاری هر یک از طرفین همان محل ارسال یا دریافت داده پیام است (قسمت اول بند "الف" ماده قانون تجارت الکترونیکی ۲۹).

- محل تجاری همان محل اصلی شرکت است (قسمت دوم بند "ب" ماده قانون تجارت الکترونیکی ۲۹).

- اگر اصل‌ساز (Originator) بیش از یک محل تجاری یا کاری داشته باشد نزدیک‌ترین محل تجاری یا کاری به اصل معامله اقامتگاه او فرض می‌شود (قسمت اول بند "ب" ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی).

- محل تجاری در صورتی که شخص فاقد محل تجاری یا کاری باشد اقامتگاه قانونی او خواهد بود (بند "ج" ماده ۲۹ قانون تجارت الکترونیکی).^(۱۱)

ب- تأثیر IT در آیین دادرسی کیفری

اگرچه مقررات مربوط به آیین دادرسی و صلاحیت جزایی محاکم ایران در رسیدگی به جرایم و ابعاد بین‌المللی جرایم ناشی از فناوری اطلاعات مطابق ماده (۷۷) قانون تجارت الکترونیکی^(۱۲)، به تصویب قانون خاص موکول گردیده است، با وجود این نمی‌توان تأثیر فناوری اطلاعات را در شکل‌گیری قواعد خاص دادرسی کیفری انکار نمود. پرونده وحدت رویه ردیف ۱۶/۸۲ دیوان‌عالی، کشور که به تعیین دادگاه واجد صلاحیت رسیدگی به اتهام صادر کننده چک بلا محل از نوع سیبا (سیستم یکپارچه بانک ملی ایران) اختصاص یافته و در هیئت عمومی دیوان‌عالی کشور طرح و منتهی به اتخاذ تصمیم گردید، از مواردی بشمار می‌رود که در این مقام مورد استناد است. هیئت عمومی دیوان‌عالی کشور در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۱ پس از بررسی موضوع و بنا بر جهاتی از جمله با توجه به ارتباط کلیه بانکهای طرح سیبا با یکدیگر و اینکه اساساً هر شعبه صادر کننده دسته چک سیبا در حکم عامل بانک مرکزی بوده و لذا تمامی بانکهای مرتبط در حکم واحد بوده و موظف به پرداخت وجه به دارنده چک سیبا می‌باشند و اینکه در صورت نبود یا کسری موجودی حساب کشنده چک حسب مورد بانک مرجوع الیه مبادرت به صدور گواهی عدم موجودی یا کسر موجودی می‌نماید، و کسی که چک سیبا به دیگری می‌دهد در واقع پذیرفته که در هر محلی که دارنده چک سیبا رجوع کند وجه چک را بانک مرتبط با شبکه یکپارچه پرداخت کند، با تأیید رأی شعبه سی و پنجم دیوان‌عالی کشور به اختلاف خاتمه می‌دهد.

خلاصه‌ای از جریان دادرسی در تعیین صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به اتهام بزهکاران صدور چک بلا محل از نوع سیبا به شرح زیر می‌باشد:

در پرونده کلاسه ۸۴۴۵/۱۶ شعبه سی و سوم دیوان‌عالی کشور شعبه دوم دادگاه عمومی ابر کوه به موجب دادنامه شماره ۳۰۹- ۸۱/۲/۲۹ در مورد شکایت آقای (م. ف.) علیه آقای (ح. ع.) دایر به صدور یک فقره چک بلا محل شماره...عده جاری...سیبای بانک ملی نورآباد لرستان به مبلغ...ریال که در تاریخ ۱۳۸۰ در شعبه...بانک ملی ابرکوه به علت کسر موجودی به صدور گواهینامه عدم پرداخت منتهی گردیده است، به لحاظ عدم دسترسی به متهم و استقرار بانک محال علیه در نورآباد لرستان به شایستگی محاکم عمومی نورآباد لرستان قرار عدم صلاحیت صادر نموده است. پرونده پس از وصول به حوزه قضایی اخیر الذکر جهت

رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان - نورآباد ارجاع و به‌صدور دادنامه ذیل منتهی گردیده: در خصوص شکایت آقای (م.ف) علیه آقای (ح.ع) به اتهام صدور یک فقره چک سیبا و سیستم یکپارچه بانک ملی ایران با عنایت به اینکه در ما نحن فیه، چک مذکور قابلیت واریز نمودن وجه به حساب یا برداشت وجه از حساب بانکی به‌وسیله چک در کلیه شعب بانک ملی سراسر کشور را دارا می‌باشد و صاحب حساب یا دارنده جهت وصول وجه چک می‌تواند به هر یک از شعب بانک ملی سراسر کشور مراجعه و در صورت ارائه چک توسط دارنده چک و مواجه شدن با چنین امری مبادرت به صدور گواهی عدم پرداخت به درخواست دارنده چک می‌نمایند. بنابراین، برخلاف استدلال شعبه دوم دادگاه عمومی ابرکوه که صرفاً بانک ملی شعبه نورآباد لرستان را به دلیل استقرار بانک محال‌علیه تلقی نموده به‌نظر می‌رسد که در ما نحن فیه کلیه شعب بانک ملی سراسر کشور در حکم واحد بوده و بانک محال‌علیه تلقی می‌شوند... و اینکه شاکی و مشتکی عنه در شهرستان ابرکوه ساکن هستند. لذا با اعتقاد به عدم صلاحیت محلی خود به شایستگی محاکم عمومی ابرکوه قرارعدم صلاحیت صادر و در اجرای ماده (۵۸) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ناظر به تبصره ماده (۲۷) آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، پرونده جهت حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال گردد. پس از ارسال پرونده به دیوان عالی کشور، اعضای محترم هیئت شعبه سی‌وسوم به موجب دادنامه ۳۱۰-۸۱/۴/۲۴ به ترتیب ذیل حل اختلاف نموده‌اند: با توجه به محتویات پرونده و عنایتاً به اینکه تفاوت چک سیبا (سیستم یکپارچه بانک ملی ایران) با چکهای دیگر صرفاً در مهلت وصول است که سیبا در کلیه شعب بانک مذکور و بدون وقفه پرداخت می‌شود، ولی در سایر شرایط مشترکند، نظریه شعبه دوم دادگاه عمومی ابرکوه صائب است. لذا با تأیید آن به صلاحیت رسیدگی شعبه چهارم نورآباد دلفان حل اختلاف می‌گردد.

حسب محتویات پرونده کلاسه ۱۰ / ۸۲۹۸ شعبه سی‌وپنجم دیوان عالی کشور آقای (م.ف) در پرونده دیگری علیه آقای (ح.ع) به‌صدور یک فقره چک بلامحل به‌شماره... عهده جاری شماره... سیبا بانک ملی ایران شعبه نورآباد که در تاریخ ۱۳۸۰ در بانک ملی شعبه ابرکوه به علت کسر موجودی به‌صدور گواهی عدم پرداخت شماره... منجر شده است، به حوزه قضایی ابرکوه شکایت نموده است که شعبه چهارم دادگاه عمومی این

حوزه طی دادنامه ۱۳۵۰-۸۰/۱۱/۳۰ با عنایت به اینکه بانک محال علیه در خارج از حوزه قضایی ابرکوه می‌باشد به شایستگی دادگاه نورآباد لرستان قرار عدم صلاحیت صادر نموده است. این بار نیز پرونده در شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان مطرح و شعبه مزبور با استدلالاتی که قبلاً به عمل آورده بوده و در گزارش پرونده شعبه سی و سوم دیوان عالی کشور مفصلاً منعکس گردیده است، با نفی صلاحیت خویش، پرونده را جهت حل اختلاف و تعیین دادگاه صلاحیتدار قانونی به دیوان عالی کشور ارسال نموده که پس از ارجاع به شعبه سی و پنجم طی دادنامه شماره ۳۴۲-۸۱/۸/۲۳ به شرح ذیل اتخاذ تصمیم به عمل آمده است: با توجه به اوراق پرونده و با توجه به اینکه گواهی عدم پرداخت وجه چک از بانک ملی ایران شعبه ابرکوه صادر گردیده است و با توجه به اینکه چک مورد شکایت به شرح منعکس در قرار عدم صلاحیت صادر شده مورخ ۸۰/۱۲/۱۹ شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان از جمله چکهایی است که در تمام شعب بانک ملی ایران قابل پرداخت است، علی‌هذا همان طوری که در قرار عدم صلاحیت شعبه چهارم دادگاه عمومی دلفان استدلال شده است صرف نظر از صحت و سقم شکایت عنوان شده و بر فرض اینکه در خصوص مورد ارتکاب بزهی متصور باشد دادگاه عمومی ابرکوه صالح به رسیدگی خواهد بود و با اعلام صلاحیت مرجع مذکور در موضوع مورد اختلاف حل اختلاف می‌نماید.

ج- تأثیر IT در آیین دادرسی اداری

آیین دادرسی اداری کشورمان در رسیدگی به دعاوی اداری حسب شیوه سنتی عمل می‌کند. ماده (۱۲) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ در ترتیب رسیدگی دیوان آورده است: «رسیدگی در دیوان محتاج به تقدیم دادخواست است که باید به زبان فارسی و در روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شود. دادخواست باید به تعداد طرف دعوا به اضافه یک نسخه باشد. رونوشت یا فتوکپی مصدق مدارک و مستندات به تعداد دادخواستها باید ضمیمه دادخواست تسلیم گردد. اگر دادخواستی فاقد امضا و شرایط مذکور باشد از طرف مدیر دفتر رد می‌شود و شاکی می‌تواند تجدید دادخواست کند».

مشابه ماده (۱۲) قانون دیوان عدالت اداری، ماده (۱) آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۹ رییس قوه قضائیه حکایت دارد.

این امر در حالی است که دیوان عدالت اداری برای کل کشور و تنها در تهران دارای شعب رسیدگی می باشد. اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی پیش‌بینی مرجعی را نموده است که مطابق آن: «به‌منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به‌نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند». برای رسیدن به نتیجه مطلوب و مورد نظر این اصل و در جهت تحقق حق دسترسی تمامی افراد به مرجع دادرسی مزبور، مقررات ویژه ای باید به تصویب برسد. این مقررات به‌نظر می‌رسد بدون استفاده از فناوری اطلاعات به‌سختی قابل دسترسی باشد.

پی‌نوشت‌ها:

^۱ - قوه قضائیه در دولت الکترونیکی از امکانات ذیل برخوردار است: ۱- دستیابی سریع و دقیق قضات به اطلاعات، ۲- فعالیت قضات در تمام مکانها و زمانها، ۳- کاهش هزینه و زمان دادرسی، ۴- ارتباط راحت‌تر قضات با کارشناسان و وکلا (فتحیان، محمد و مهدوی نور، سید حاتم، پیش به سوی جامعه اطلاعاتی، موسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۸۳).

^۲ - با توجه به جهانی بودن امر فناوری اطلاعات و تأثیر آن خاصه در تجارت جهانی در بیانیه سازمان تجارت جهانی (WTO) در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۹۸م، اصطلاح تجارت الکترونیکی به معنای تولید، توزیع، بازاریابی، فروش یا تحویل کالاها و خدمات توسط وسایل الکترونیکی، تعریف و توصیف شده است. پیمان تجارتهای جهانی (Alliance for Global Businesses-AGB) بر همین مبنا معنای وسیعتری از تجارت الکترونیکی داده است.

^۳ - در تفهیم فناوری اطلاعات تعاریف مختلفی شده از جمله: فناوری اطلاعات، شاخه ای از فناوری است که با استفاده از سخت افزار، نرم افزار و شبکه افزار، مطالعه و کاربرد داده و پردازش آن را در زمینه های ذخیره Storage، دستکاری (Manipulation)، انتقال (Transmission)، مدیریت (Management)، جابجایی (Movement)، مبادله (Exchange)، کنترل (Control)، سوئیچینگ (Switching) و داده

آمایی خودکار (Automatic Data Acquisition) امکان پذیر می‌سازد (ر.ک. پیش به سوی جامعه اطلاعاتی، همان، ص ۳۱).

۴- در قسمت اخیر ماده (۶) قانون تجارت الکترونیکی موارد استثنا ذکر شده است. این موارد عبارتند از: الف) اسناد مالکیت اموال غیر منقول، ب) فروش مواد دارویی به مصرف‌کنندگان نهایی، ج) اعلام، اخطار، هشدار و یا عبارات مشابهی که دستور خاصی برای استفاده کالا صادر می‌کند و یا به‌کارگیری روش‌های خاصی به صورت فعل یا ترک فعل منع می‌کند.

۵- قاعده فوق‌الاشعار از ماده (۹) قانون تجارت الکترونیکی استفاده می‌گردد زیرا در قسمت آخر ماده مذکور آمده: «جایگزینی اسناد کاغذی به جای داده پیام اثری بر حقوق و تعهدات قبلی طرفین نخواهد داشت».

۶- مطابق بند دوم ماده (۹) قانون نمونه تجارت الکترونیکی سازمان ملل: «اطلاعات ابرازی به شکل داده پیام از اعتبار و بار دلیل برخوردار است. در مقام احراز اعتبار و وثاقت داده پیام توجه لازم به شیوه تولید، ضیط و حفظ داده پیام، به شیوه حفظ کلیت اطلاعات، به شیوه ایکه اصل ساز آن معرفی می‌شود و نیز به سایر عوامل مربوط معطوف خواهد شد» (ر.ک. نوری، محمد علی و نخجوانی، رضا- حقوق تجارت الکترونیکی، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، ص ۲۳۳).

۷- مطابق ماده (۱۲۹۲) قانون مدنی: «در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است».

۸- برای آشنایی با مقررات دادرسی راجع به اسناد رجوع کنید به: ماده (۲۰۶) الی (۲۲۸) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی. توضیح اینکه بر اساس ماده (۱۲۸۶) قانون مدنی سند بر دو نوع است رسمی و عادی. ماده (۱۲۸۷) قانون مدنی در تعریف سند رسمی می‌گوید: «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر

مامورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانون تنظیم شده باشد رسمی است». مطابق ماده ۱۲۸۹ همین قانون غیر از اسناد مذکور در ماده (۱۲۸۷) سایر اسناد عادی است.

۹_L.۴۲۱-۱. Les associations regulierement declarees ayant pour objet statutaire explicite la defense des interets des consommateurs peuvent, si elles ont ete agrees a cette fin, exercer les droits reconnus a la partie civile relativement aux faits portent un prejudice directe ou indirect a l'interet collectif des consommateurs.

-۱۰

۱۱- جهت مزید اطلاع ماده (۲۹) قانون تجارت الکترونیکی اشعار می‌دارد: «اگر محل استقرار سیستم اطلاعاتی با محل استقرار دریافت "داده پیام" مختلف باشد مطابق قاعده زیر عمل می‌شود:

الف - محل تجاری، یا کاری اصل ساز محل ارسال "داده پیام" است و محل تجاری یا کاری مخاطب محل دریافت "داده پیام" است مگر آن که خلاف آن توافق شده باشد.

ب - اگر اصل ساز بیش از یک محل تجاری یا اداری داشته باشد، نزدیکترین محل به اصل معامله، محل تجاری یا کاری خواهد بود در غیر این صورت محل اصلی شرکت، محل تجاری یا کاری است.

ج - اگر اصل ساز یا مخاطب فاقد محل تجاری یا کاری باشند، اقامتگاه قانونی آنان ملاک خواهد بود».

۱۲- ماده (۷۷) قانون فوق می‌گوید: «سایر جرایم، آیین دادرسی و مقررات مربوط به صلاحیت جزایی و روش‌های همکاری بین‌المللی قضایی مرتبط با بستر مبادلات الکترونیکی به موجب قانون خواهد بود».